

Why Has the Iranian Message Not Reached the President's Desk?

March 15, 2026

Mr. President,

The central battlefield between the United States and the Iranian regime is not military.

The real battlefield is the constitution of the Islamic Republic that institutionalizes hostility toward America.

A strategy focused on peaceful constitutional change would weaken the regime while winning the hearts of the Iranian people—without another war in the Middle East.

For more than four decades, American policy toward Iran has relied largely on second-hand information. Since the revolution of 1979, the authentic voices of Iranian society have rarely reached the highest levels of decision-making in Washington.

At the time of the revolution, many in the West believed that a religious leader similar to Mahatma Gandhi had emerged in Iran. Instead, the rise of Ayatollah Ruhollah Khomeini led to the creation of the political system known as the Islamic Republic of Iran.

The constitution written under that system became the central instrument of power for the ruling clerical establishment. It enabled a small elite to consolidate authority while the majority of Iranians faced economic hardship, political repression, and international isolation.

Over the years, Western governments have depended on a limited number of opposition groups and external sources for information about Iran. These voices do not necessarily represent the deeper intellectual and political debates taking place within Iranian society.

Meanwhile, the most consistent and principled opposition to the current regime has focused on a different issue: the constitutional structure itself.

Since the summer of 1979, when the constitution of the Islamic Republic was written, many Iranian thinkers have argued that meaningful change in Iran requires addressing that constitutional foundation.

Without understanding the ideological structure embedded in that document—including the political interpretation of Shiite doctrine used by the ruling establishment—it is difficult for outside observers to understand why tensions between Iran and the West have persisted for so long.

For this reason, our organization, Cyrus Force, has studied this issue for several years. After publishing “The Road Map,” we have now completed a new analytical report titled Iran and the

West, a five-thousand-word study examining how religious doctrine and constitutional design have been used by the ruling establishment to sustain confrontation with the United States.

Mr. President,

If the strategic objective of the United States is long-term stability and peace with the Iranian people, the real battlefield is constitutional—not military.

A strategy that encourages peaceful constitutional change would empower the Iranian people while avoiding another destructive war in the Middle East.

History rarely offers moments when a single leader can redefine the strategic direction of an international conflict. Many Iranians believe such a moment may now exist.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra www.CyrusForce.org

Change Iran's Constitution — Change Iran's Future

چرا پیام ایرانیان به میز رئیس‌جمهور نرسیده است؟

پانزدهم مارس 2026

آقای رئیس‌جمهور،

میدان اصلی نبرد میان ایالات متحده و رژیم ایران نظامی نیست.

میدان واقعی نبرد قانون اساسی جمهوری اسلامی است که دشمنی با آمریکا را نهادینه کرده است.

راهبردی که بر تغییر مسالمت‌آمیز قانون اساسی تمرکز کند می‌تواند بدون یک جنگ دیگر در خاورمیانه، رژیم را تضعیف کرده و دل مردم ایران را به دست آورد.

بیش از چهار دهه است که سیاست آمریکا درباره ایران عمدتاً بر اساس اطلاعات دست دوم شکل گرفته است. از زمان انقلاب ۱۹۷۹، صدای واقعی جامعه ایران به ندرت به بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در واشنگتن رسیده است.

در زمان انقلاب، بسیاری در غرب تصور می‌کردند که در ایران رهبری مذهبی شبیه گاندی ظهور کرده است. اما در واقع ظهور آیت‌الله روح‌الله خمینی به تشکیل نظامی منجر شد که جمهوری اسلامی نام گرفت.

قانون اساسی این نظام به ابزار اصلی قدرت برای حاکمیت روحانیت تبدیل شد. این قانون اساسی به گروه کوچکی از حاکمان اجازه داده است قدرت را در دست بگیرند، در حالی که اکثریت مردم ایران با فقر اقتصادی، سرکوب سیاسی و انزوای بین‌المللی روبه‌رو شده‌اند.

در طول این سال‌ها، دولت‌های غربی عمدتاً به تعداد محدودی از گروه‌های مخالف و منابع خارجی برای شناخت ایران تکیه کرده‌اند. این صداها لزوماً نماینده بحث‌های عمیق فکری و سیاسی در درون جامعه ایران نیستند.

در همین حال، پایدارترین و جدی‌ترین مخالفت با نظام حاکم بر ایران بر مسئله‌ای متفاوت تمرکز داشته است: ساختار قانون اساسی.

از تابستان ۱۹۷۹ که قانون اساسی جمهوری اسلامی نوشته شد، بسیاری از متفکران ایرانی معتقد بوده‌اند که تغییر واقعی در ایران تنها با اصلاح یا تغییر این قانون اساسی امکان‌پذیر است.

بدون شناخت ساختار ایدئولوژیک این قانون اساسی - به‌ویژه تفسیر سیاسی از تشیع که توسط حاکمیت ارائه شده است - درک علت تداوم تنش میان ایران و غرب دشوار خواهد بود.

به همین دلیل سازمان سایروس فورس طی چند سال گذشته این مسئله را بررسی کرده است. پس از انتشار کتاب «نقشه راه»، اکنون گزارش تحلیلی جدیدی با عنوان «ایران و غرب» تهیه کرده‌ایم که در حدود پنج هزار کلمه به بررسی نقش ساختار قانون اساسی و استفاده سیاسی از مذهب در ادامه تقابل با آمریکا می‌پردازد.

آقای رئیس‌جمهور،

اگر هدف راهبردی ایالات متحده دستیابی به ثبات پایدار و صلح با مردم ایران است، میدان واقعی نبرد قانون اساسی است نه میدان نظامی.

راهبردی که تغییر مسالمت‌آمیز قانون اساسی را تشویق کند می‌تواند مردم ایران را توانمند سازد و در عین حال از یک جنگ ویرانگر دیگر در خاورمیانه جلوگیری کند.

تاریخ به ندرت لحظه‌ای را فراهم می‌کند که یک رهبر بتواند مسیر یک منازعه بین‌المللی را تغییر دهد. بسیاری از ایرانیان معتقدند چنین لحظه‌ای اکنون فرا رسیده است.

با احترام

سهراب چمن‌آرا

سایروس فورس آمریکا - پیروان کوروش ایران

تغییر قانون اساسی ایران — تغییر آینده ایران